

نقشه گنج مترجم!



@alreihane: اینستاگرام

alreihane@gmail.com: ایمیل



نقشه گنج مترجم!



نقشه گنج مترجم!

می‌خواهید مترجم شوید، اما نمی‌دانید از کجا شروع کنید و چگونه به هدف‌تان برسید. نمی‌دانید در این کار با چه مشکلاتی روبرو خواهید شد و برای موفقیت در این مسیر باید چطور عمل کنید؟ و یا این که اصلاً نمی‌دانید این راه چگونه راهی است؟ آیا به رفتنش می‌ارزد یا نه؟

اگر یکی از پرسش‌های بالا ذهنتان را به خود مشغول کرده است، پس بدانید که این کتاب برای شما نوشته شده است.

مترجم شدن یعنی چه؟

مترجم‌ها کلاً دو نوع هستند. یا در استخدام شرکت، سازمان و یا شخص خاصی هستند و به شکل ماهیانه حقوق می‌گیرند و یا این که به شکل مستقل و برای خودشان کار می‌کنند. مترجم‌های رسمی هر روز به محل کار می‌روند و در آن جا سفارش‌های کاری را انجام می‌دهند.

مترجم‌هایی که در گمرک‌ها، صدا و سیما، مراکز گردشگری و اماکن مختلف به شکل رسمی استخدام شده‌اند، همان مترجم‌های رسمی هستند که به شکل ثابت و مشخص حقوق دریافت می‌کنند.

اما مترجم‌های مستقل غالباً در خانه دفتر کاری دارند که در آن جا کارهایشان را انجام می‌دهند. بیشتر سفارش‌هایشان را به شکل اینترنتی می‌گیرند و به همین دلیل خیلی از مشتری‌هایشان



نقشه گنج مترجم!

را هیچ وقت حتی يك بار هم نمی بینند. برخی از مترجم‌های مستقل پس از مدتی دفتر کاری می‌گیرند و با انتقال به آن جا کارشان را گسترده‌تر می‌کنند.

تفاوت مترجم‌های رسمی با مترجم‌های مستقل در امنیت شغلی و وسیع شدن حوزه کاری آنهاست. مترجم‌های رسمی از امنیت شغلی برخوردار هستند و حوزه کاری نسبتاً مشخصی دارند.

اما مترجمان مستقل باید خودشان امنیت مالی و شغلی‌اشان را به وجود بیاورند. اما می‌توانند حوزه کاریشان را به مرور گسترش بدهند.

در هر حال نقطه مشترك این دو نوع مترجم این است که هر دو، از طریق ترجمه درآمد کسب می‌کنند. یعنی متنی را از يك زبان به زبان دیگر ترجمه می‌کنند و در قبال این کار حق‌الزحمه می‌گیرند.

قصد دارید مترجم بشوید؟

بسیار خوب، بیایید با هم دوری در همین اطراف بزنیم و کمی با هم گفتگو کنیم. چون من مسیر مترجم شدن را پیموده‌ام و پاسخ بسیاری از پرسش‌های این مسیر را در جیم دارم.



با من بیشتر آشنا بشوید

من ریحانه هستم. ریحانه پورشجاعی. فوق لیسانس زبان و ادبیات عرب دارم. کارشناسی‌ام را در دانشگاه علامه طباطبایی و کارشناسی‌ارشدم را هم در دانشگاه حکیم سبزواری گذراندم.

از دوره کارشناسی به شکل سرگرمی مطالبی را ترجمه می‌کردم و از اواخر همان دوره تصمیم جدی گرفتم که یک مترجم بشوم. این شد که یک کتاب نسبتاً حجیم را به دست گرفتم تا مترجم بشوم!

کار ترجمه این کار بسیار طولانی شد. اگر بخواهم صادق باشم، باید بگویم خیلی خیلی طولانی شد. من بی‌تجربه بودم و مهارت‌های ارتباطی بسیار پایینی داشتم. به همین دلیل نمی‌دانستم چطور می‌توان راه پر پیچ و خم مترجمی را پیمود.

هشت سال پیش که کار ترجمه را شروع کردم، حقیقتاً خودم را در این مسیر تنها و بی‌یار و یاور می‌دیدم. می‌دانستم که می‌خواهم مترجم بشوم. اما نمی‌دانستم چطوری؟ و مهم‌تر این که هیچ مشوقی نداشتم. می‌دانستم که می‌خواهم به شکل مستقل کار کنم، اما نمی‌دانستم چگونه؟

ندانسته‌هایم خیلی زیاد بودند. حتی در ترجمه تازه‌کار بودم. اما در این مسیر استقامت کردم و به پیش رفتم تا این که سرانجام به موفقیت رسیدم. به همین دلیل دوست دارم در این کتاب



نقشه گنج مترجم!

علاقمندان به ترجمه را به يك كاپيتان تشبيه كنم.

كاپيتاني كه سعي مي‌كند، ساكاندار زندگي خودش باشد. با ترس‌ها و نااميدي‌هاي بسياري روبرو مي‌شود. اما در نهايت همه غول‌هاي دريايي را شكست مي‌دهد و پيروزمندانه سرزمين ترجمه را فتح مي‌كند.

من به شما قول مي‌دهم اگر از نقشه گنج مترجم پيروي كنيد، هيچ كوسه‌اي پايتان را نخواهد خورد و شما هيچ وقت به پاي چوبي نياز پيدا نخواهيد كرد. چون هميشه از پاي خودتان استفاده خواهيد كرد.

در واقع شما با در دست داشتن اين نقشه گنج به راحتی مي‌توانيد مسيرتان را پيدا كنيد. وقتي به هشت سال پيش خودم نگاه مي‌كنم، با خودم مي‌گويم كاش اين نقشه گنج را آن زمان در دست داشتم تا اين راه طولاني را زودتر و راحت‌تر پشت سر مي‌گذاشتم.

كاش هشت سال پيش من هم، مترجمي بود كه به من راه و رسم مترجم شدن را ياد مي‌داد. مسيرياب را به دستم مي‌داد. به من مي‌گفت به عقبه اين مسيرياب نگاه كن و مسير رسيدنت را براساس آن تنظيم كن. مبادا فريب بخوري و اشتباه كني. بعد پشتم بزند و بگويد: حالا برو جلو!

در هر حال افتخار كشيدن اين نقشه به من رسيد و من توانستم با نوشتن اين كتاب همان تبيري



نقشه گنج مترجم!

را که دوست دارم، در جهان ایجاد می‌کنم.

روزهای بی‌تجربگی دیگر گذشته است و امروز مفتخرم بگویم مترجم و نویسنده چندین کتاب مختلف هستم که برخی چاپ شده‌اند و برخی دیگر نیز به زودی از سایت الریحانه در دسترس علاقمندان به مباحث مختلف ترجمه و همچنین علاقمندان به ادبیات قرار خواهد گرفت.

امروز با افتخار می‌گویم که بعد از سال‌ها کار ترجمه در حوزه‌های مختلف، تجربه‌های بسیار زیادی را در دست دارم. تجربه‌هایی که می‌توانم آن‌ها را با دوستداران ترجمه به اشتراک بگذارم.

خب، بیایید شروع کنیم!

در مسیر دریایی مترجم‌شدن اصل این است که شما اول جاشو باشید و بعد به سیمت کاپیتان بودن، ارتقا پیدا کنید. اما من این مزده را به شما می‌دهم که با در دست داشتن این نقشه می‌توانید از همان ابتدا کاپیتان باشید.

شما با در دست داشتن این نقشه از همان ابتدا، مسیر را می‌شناسید و به خاطر همین شناخت می‌توانید به راحتی از مشکلات احتمالی دوری کنید. از خطرات سهمگین در امان باشید و با عبور از راه‌های میانبر زودتر به هدف‌تان دست پیدا کنید.



جايي که شما هستيد؟

اگر امروز تصميم گرفته ايد مترجم شويد، لطفاً به اين پرسشها پاسخ بدهيد:

قصد داريد به چه زباني ترجمه کنيد؟

چقدر به اين زبان آشنايي داريد؟ آيا در اين رشته تحصيل کرده ايد؟ کلاس رفته ايد و يا قصد داريد تازه يك زبان جديد را ياد بگيريد؟

مي خواهيد مترجم شفاهي شويد يا مترجم کتبي؟

حوزه مورد نظرتان چيست؟ علوم انساني؟ تجاري؟ سياسي؟...

آيا تا به حال تجربه ترجمه کردن به زبان مورد نظرتان را داشته ايد و يا اين که براي اولين بار است که مي خواهيد وارد مسير ترجمه و مترجم شدن شويد؟



نقشه گنج مترجم!

متأسفانه برای تمام کردن این کتاب به ما جایزه‌ای نخواهند داد. اما اگر مراحل گفته شده در این کتاب را به دقت و مرحله به مرحله انجام بدهید، می‌توانید در حرفه ترجمه موفق شوید.

پس لطفاً به پرسش‌های بالا پاسخ بدهید و پاسخ‌هایتان را روی کاغذ بنویسید.

خیلی خوب است شما الان به شناخت خوبی از وضعیت مکانی که در آن قرار دارید، دست پیدا کرده‌اید. با پاسخ به پرسش‌های بالا شما می‌توانید حد و حدود توانایی خود را در ترجمه بسنجید و براساس آن برنامه‌ریزی کنید.

ابزارهایی که در مسیر به آنها نیاز داریم!

آیا قصد دارید مترجم بشوید؟ به این کار علاقه دارید؟ برای این کار انگیزه لازم را دارید؟ همین‌ها کافی است! برای شروع نیازی به داشتن مهارت بالا، تجربه زیاد و یا روابط خاصی نیست. مهم این است که شروع کنید و از آن مهمتر درست ادامه بدهید.



مدرک مهمه؟!

شاید از خودتون بپرسید: لازمه در زبان مورد علاقه‌ام تحصیل کرده باشم؟ و این که مدرک چقدر در موفقیت من نقش داره؟

در جواب به این پرسش باید بگویم که من افراد مختلفی را می‌شناسم که در يك رشته کاملاً متفاوت تحصیل کرده‌اند، ولی به عنوان مترجم فعالیت می‌کنند و درآمد نسبتاً خوبی هم دارند. درآمد نسبتاً خوب یعنی همان درآمدي که يك تحصیل‌کرده در آن رشته به دست می‌آورد.

شاید بهترین مثال برای این مورد یکی از افرادی باشد که سال‌ها با او همکاری کرده‌ام. او در رشته نجوم تحصیل کرده است. اما توانسته است به عنوان يك مترجم و کارشناس موفق در زمینه عربی فعالیت کند. هر وقت او را می‌بینم با خودم می‌گویم اگر او توانسته است، چرا من نتوانم؟!

پس اگر تحصیلات دانشگاهی ندارید، نگران نباشید. کافی است برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشید و برای رسیدن به هدف‌تان تلاش کنید. همین!



مترجم چه بشوم؟!

در این مسیر قبل از هر چیزی باید از خود پرسید: می‌خواهم چگونه مترجمی بشوم؟ مترجم کتبی یا مترجم شفاهی؟ قصد دارم چه متن‌هایی را ترجمه کنم؟ ادبی، فرهنگی، خبری، تجاری، دینی، سیاسی، علمی...

اما من نمی‌دانم؟!

ممکن است از خودتان پرسید: چگونه موضوعی را برای ترجمه انتخاب کنم؟

طبیعی است که انگیزه شما از مترجم شدن قطب‌نمای شماست. اگر صرفاً برای کسب درآمد قصد مترجم شدن را دارید، موضوعاتی مثل ترجمه خبر، موضوعات تجاری و مالی گزینه‌های خوبی هستند و اگر در فکر فرهنگ و ادب هستید، طبیعتاً ترجمه کتاب‌های فرهنگی برایتان مناسب است.

نکته مهم این است که موضوع خوب یا بد وجود ندارد. براساس علایق شخصی و نیازهای جامعه موضوعی را انتخاب کنید. خیلی هم سخت نگیرید!



چند تا موضوع!

آیا شما در ترجمه به چند و یا چندین موضوع علاقه دارید؟ اگر این چنین است، بهتر است از بین آن‌ها فقط یکی را انتخاب کنید. وقتی آن را سر و سامان دادید، می‌توانید تمام این مسیر را برای موضوع بعدی‌تان هم انتخاب کنید.

حالا زمان مشخص کردن مسیری است که قرار است در پیش بگیرید. به دقت به سئوال‌های زیر جواب بدهید.

من تصمیم دارم مترجم زبان شوم. (مثلا من ریحانه پورشجاعی تصمیم دارم مترجم کتبی زبان عربی شوم)
من موضوع را انتخاب می‌کنم. (مثلا من ریحانه پورشجاعی موضوع فرهنگی را انتخاب می‌کنم)

می‌خواهم مترجم شوم، چون (خجالت نکشید. انگیزه شما از مترجم شدن هر چه که باشد قابل احترام است. شاید فقط برای کسب درآمد بخواهید مترجم شوید. چه اشکالی دارد، آن را بنویسید. شاید هم چند انگیزه مختلف داشته باشید. همه را بنویسید. این زندگی شماست!)



نقشه گنج مترجم!

خب، ابزارهایتان را بردارید و در يك كوله‌پشتي بریزید. کفش‌های کتان‌تان را هم به پا کنید.

مهیا شدن برای ترك ساحل

خوب است قبل از ترك کردن بندر يك گلدان كوچك بخرید. اگر بتوانید بذر دانه‌اي را در خاك بکارید چه بهتر. گلدانتان را جایی در دیدرستان بگذارید. این گلدان در طی مسیر همراه شما خواهد بود.

با رشد نامحسوس گیاهتان شما هم رشد خواهید کرد. باید حواستان به گیاهتان باشد و گرنه ممکن است از بین برود. دقیقاً مانند کاری که قرار است شروع کنید. اگر حواستان به مسیر درست نباشد، دچار بیماری خواهید شد و یا حتی سر از سرزمین‌های دیگر درخواهید آورد.

به گیاهتان رسیدگی کنید. مانند شاهزاده کوچولو که با تمام جان و دلش از گل سرخش نگهداری می‌کرد. هر وقت خسته و ناامید شدید، به گیاهتان نگاهی بیندازید. گیاهی که آرام آرام رشد می‌کند. در واقع مسیر مترجم‌شدن لوبیای سحرآمیزی نیست که در کمتر از يك شب از ابرها هم بالاتر برود. مسیر مترجم‌شدن، مسیری آهسته و پیوسته است.



نقشه گنج مترجم!

خب، حالا آماده سفر هستید!

برای رسیدن به کشتی ترجمه، اول باید سوار یک کرجی بشویم تا ما را از ساحل کنونی به کشتی ترجمه برساند.

کرجی عبور از لنگرگاه

خواندن و گوش دادن!

در اولین گام برای مترجم شدن باید درباره موضوعتان یک هفته تمام به زبان مادری‌تان فقط گوش بدهید یا مطلب بخوانید. بله درست خواندید، به زبان مادری‌تان!

موضوع شما چیست؟ ترجمه خبر؟ باشد! یک هفته فقط خبر گوش بدهید و روزنامه بخوانید. هدف‌تان موفق شدن در ترجمه‌های تجاری است؟ پس روزنامه‌های تجاری و مالی را بخوانید و به اخبار اقتصادی گوش بدهید.

می‌خواهید متون دینی را ترجمه کنید؟ سخنرانی‌های مذهبی را گوش بدهید. کتاب‌های دینی



نقشه گنج مترجم!

بخوانید.

قصد ترجمه متون ادبی را دارید؟ کتاب ادبی بخوانید. فیلم و مجموعه تلویزیونی ببینید و از همه مهمتر به گفتگوهای اطرافتان توجه کنید. حرف‌هایی که مادرتان به همسایه می‌زند. بچه‌ها چطور با هم حرف می‌زنند؟ رانندگان تاکسی، فروشندگان و کسبه‌های مختلف چه لحنی دارند؟

در کرجی گوش دادن و خواندن شما باید یاد بگیرید که در حوزه شما چه مطالبی گفته می‌شود؟ و این مطالب به چه شکلی بیان می‌شود؟

به عنوان یک مترجم همیشه این سوال‌ها را از خود بپرسید:

در موضوع مورد نظر من چه مطالبی گفته می‌شود؟

این مطالب چگونه بیان می‌شود؟

در این یک هفته فرض کنید گوش‌های شما آنتن و چشمانتان یک تور ماهیگیری بزرگ است که کلمه‌ها و جملات را به سمت خود می‌کشاند. گوش بدهید و با دقت بخوانید! بگذارید ذهنتان مانند یک اسفنج کلمه‌ها، جملات، عبارتها و اصطلاحات را به سمت خود جذب کند و پربار شود.



نقشه گنج مترجم!

متناسب با موضوعتان حداقل پنج راه شنیدن و خواندن بنویسید. مثلا اگر موضوع شما مسایل مالی و تجاری است، گوش دادن به رادیو اقتصاد، خواندن روزنامه دنیای اقتصاد، صحبت با عمویان که کسب و کاری موفق دارد و دیگر موارد این چنینی می‌تواند به شما کمک کند تا ذخیره ذهنی واژگانتان را در این حوزه بالا ببرید.

راه‌های شنیداری و خواندنی برای موضوع من (حداقل پنج مورد):

.....
.....
.....
.....

تعهدنامه

من از امروز به تاریخ تا هفته بعد به تاریخ هر روز حداقل روزی یک ساعت در زمینه مورد نظرم مطلب بخوانم و گوش بدهم.

شاید شما از پیش در حوزه مورد نظرتان اطلاعات کافی و بسیاری داشته باشید. در این صورت



نقشه گنج مترجم!

می‌توانید از این مرحله عبور کنید. اما به خاطر داشته باشید که در تمام طول مسیر شما نیاز به مطالعه جدی در حوزه مورد نظرتان را دارید.

چون هر روز کلمه‌های جدیدی به وجود می‌آیند و برخی از کلمه‌ها هم از بین می‌روند. در واقع زبان یک موجود زنده و در حال تکامل است و شما به عنوان مترجم باید زبان را به خوبی بشناسید و شناخت زبان برای یک مترجم یک کاری همیشگی است.

سوار کشتی ترجمه شدن

کاپیتان حالا شما آماده سوار شدن به کشتی مترجم شدن هستید! در حوزه مورد نظرتان متنی کوتاه و دو زبانه را پیدا کنید. حتی متن یک خطی هم می‌تواند به شما کمک کند. از هر امکاناتی که دارید، استفاده کنید. در این مرحله، مهم شروع کردن است.

برای انتخاب یک متن تنها معیار در این مرحله آسان بودن آن است. از مطالب بسیار آسان شروع کنید و به مرور متون سخت‌تر را بخوانید و ترجمه کنید. شروع با یک متن سنگین یا بسیار طولانی ممکن است شما را سرخورده و ناامید کند.



پیدا کردن متن

چگونه و از کجا متنی خوب پیدا کنم؟ در مرحله اول هر متن کوتاهی (تاکید می‌کنم کوتاه) را که به دستتان می‌رسد، ترجمه کنید. خیلی سخت نگیرید. مهم این است که شروع کنید.

چرا متن باید کوتاه باشد؟

اولین تجربه‌ها همیشه مهم‌ترین تجربه‌ها هستند. آیا برای شما هم پیش آمده است که برای اولین بار کاری را انجام بدهید و صرفاً به دلیل همان تجربه خوب یا بد اولیه، آن کار را ادامه داده و یا رها کرده باشید؟

حتماً شنیده‌اید که برخی می‌گویند من اولین باری که فلان غذا را خوردم، خیلی خوب بود و به همین دلیل خوردن این غذا برای من بسیار دلچسب است و یا این که برخی می‌گویند چون اولین باری که می‌خواستم فلان کار را انجام بدهم، اوضاع خیلی بد پیش رفت و دیگر من برای همیشه از انجام آن کار دست کشیدم؟

در این مرحله هدف آن است که شما تجربه خوشایندی از ترجمه را در ذهن خود به وجود بیاورید.



پهن کردن تور برای صید متن

راه‌های مختلفی برای پیدا کردن يك متن وجود دارد. در زیر به چند مورد از آن اشاره می‌کنم:

کتاب

برخی از کتابخانه‌ها بخش کتاب خارجی هم دارند و غالباً در میان کتاب‌های موجود می‌توان کتاب‌های کودکانه و یا کتاب‌هایی که چندان سخت نیستند را نیز پیدا کرد. اگر به چنین کتابخانه‌ای دسترسی ندارید، به کتاب‌فروشی‌های شهرتان سری بزنید.

اینترنت

راه دیگر عضویت در کتابخانه‌ها و مجلات مجازی است. برای انجام این کار کافی است يك کتابخانه خارجی در اینترنت پیدا کنید و عضو آن سایت شوید. البته در برخی از این سایت‌ها برای استفاده از کتاب‌ها حتی نیاز به عضویت نیز وجود ندارد. کافی است کتاب مورد نظرتان را دانلود کنید.

مجله‌های فیزیکی و مجازی

تمامی زبان‌های مهم دنیا، مجله‌های چاپی و یا مجازی مرتبط با همان زبان را نیز منتشر می‌کنند.



نقشه گنج مترجم!

شما مي‌توانيد با مطالعه اين مجله‌ها به مطالب ارزشمند بسياري دست پيدا كنيد. خودتان نيز مي‌توانيد در اينترنت مجله‌هاي مجازي مختلفي را پيدا كنيد. براي شروع مي‌توانيد در يك مجله اينترنتي كودكانه عضو شويد و از مطلبي كه در آن آمده است، استفاده كنيد.

نکته مهم!

براي جستجو در اينترنت بايد بسيار دقيق باشيد. اينترنت مانند تور بزرگ ماهيگري شماست. شما آن را به آب مي‌اندازيد. ممكن است ماهي‌هاي خوبي به دست بياوريد و ممكن است هشت‌پا و يا جانوران مختلف ديگري را نيز صيد كنيد.

در واقع بايد گفت خيلي وقت‌ها نمي‌شود به مطلبي كه در سايت‌هاي مختلف قرار داده شده است، اطمينان كرد. به همين دليل هر صفحه‌اي را كه باز كرديد، صرفاً به اين دليل كه به زبان مورد نظر شما نوشته شده است، آن را الگو قرار ندهيد و سعي نكنيد بلافاصله مطالب نوشته شده در آن را بياوريد.

براي جستجوي بهتر در گوگل عضويت در سايت درسنامه و گذراندن دوره رايجان جستجوي قوي با گوگل را به شما پيشنهاد مي‌كنم.

پرس و جو

اساتيد دانشگاه‌ها و افرادي كه در حوزه زبان مورد نظر شما كار مي‌كنند اشخاص بسيار خوبي براي



نقشه گنج مترجم!

پیدا کردن منابع شما هستند. اما این مورد را به عمد در انتهای آورده‌ام که بدانید ممکن است این افراد نتوانند به درستی شما را راهنمایی کنند.

این که آن‌ها اطلاعات لازم را در این زمینه ندارند و یا وقت و حوصله سر و کله زدن با افراد تازه‌کار را ندارند، نباید باعث از بین رفتن روحیه شما بشود. در واقع بهتر است يك چند روزي به خود فرصت بدهید که موارد بالا را امتحان کنید. به کتاب‌خانه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها و سایت‌های اینترنتی سر بزنید و سپس شروع به پرس و جو کنید.

لیست اماکنی که می‌توانم در آن جا کتاب و یا متونی آسان در موضوع موردنظرم و به زبانی که می‌خواهم مترجم آن بشوم را پیدا کنم (حداقل ده مورد بنویسید):

.....

.....

.....

دانش و مهارت شما در ترجمه به کیفیت و حجم مطالبی مرتبط است که مطالعه می‌کنید. هر اندازه منبع مناسب بیشتری را پیدا کنید، موفق‌تر خواهید بود. اما خودتان را با کتاب‌ها و مطالب بسیار خسته و سرگردان نکنید.



نقشه گنج مترجم!

يك برنامه جمع و جور كاري براي خودتان داشته باشيد. مثلا هفته‌اي يك كتاب كودك بيست صفحه‌اي را بخوانيد. تنها زماني به سراغ كتاب و يا مطلب جديد برويد كه مطلب قلبي را به طور كامل به انتها رسانده باشيد.

اگر تصميم داريد خيلي زود به هدفتان يعني مترجم شدن دست پيدا كنيد، بايد زمان بيشتري هم صرف آن كنيد. حقيقتا هرگز نمي‌توان براي همه آدم‌ها يك زمان مشخص كرد و گفت همه اين در مدت موفق مي‌شوند.

سرعت موفقيت شما فقط و فقط به خودتان، انگيزه و ميزان تلاشتان مربوط است. آيا كسي كه با سرعت چهل كيلومتر در ساعت حركت مي‌كند با كسي كه با سرعت هشتاد كيلومتر در ساعت رانندگي مي‌كند، يكي است؟ البته كه نه!

برنامه‌ريزي خود را براي مطالعه بنويسيد و زير آن را امضا بزنيد تا به انجامش متعهد شويد.

من هر روز ساعت وقت مطالعه و ترجمه مي‌كنم. امضا



چگونه کتاب بخوانیم؟

کتاب را مال خود کنید. اگر کتاب خودتان است، حتما در آن خط بکشید. ترجمه خودتان را در گوشه و کنار کتاب بنویسید و با کتاب يك ارتباط حقيقي برقرار کنید. زیر جمله‌ها و کلمه‌های جدیدی که می‌خوانید خط بکشید. در گوشه‌های کتاب مترادف‌های برخی از کلمه‌ها را بنویسید.

حتی اگر کتاب الکترونیکی می‌خوانید حتما خودتان را ملزم به رعایت موارد بالا کنید. به شیوه‌ای که برایتان راحت‌تر است مطالب و نکات را یادداشت کنید. برای به خاطر سپردن هر چه بهتر مطالب مختلف می‌توانید از سایت مطالعه شریف استفاده کنید.

در کامپیوتر فایلی را برای ترجمه‌هایتان اختصاص بدهید. حتی اگر کامپیوتر ندارید از این کار شانه خالی نکنید. در دفتری ترجمه‌هایتان را بنویسید.

چه زمان به سطح بالاتر برویم؟

اگر بتوانید کتاب‌های رده‌بندی شده‌ای را در زبان مورد نظرتان مطالعه کنید، هر زمان که حداقل دو کتاب از يك رده سنی را کامل متوجه شدید، زمان آن است که به سراغ رده سنی بالاتر بروید. این تقسیم‌بندی‌ها در زبان انگلیسی تا حد زیادی وجود دارد. اما متأسفانه غالب کتاب‌هایی که از زبان‌های دیگر مانند عربی وجود دارند، فاقد این تقسیم‌بندی دقیق رده سنی و یا سطح علمی



هستند.

در چنین حالتی باید به شکل تقریبی از کتاب‌های کودکان به سراغ کتاب‌های نوجوانان و در نهایت به خواندن کتاب‌های بزرگسالان بروید.

قرص ضد تهوع

اگر می‌خواهید در این مسیر دچار تهوع و دریازدگی نشوید، باید متناسب با سطح خودتان به پیش بروید. از خودتان بیش از اندازه توقع نداشته باشید. سعی نکنید هزار کلمه را در پنج دقیقه حفظ کنید و در کمتر از یک ماه قواعد مختلف یک زبان را به شکل خارق‌العاده مانند یک اهل زبان به روانی به کار ببرید.

بهترین تصویری که می‌توانید در این مرحله از خود داشته باشید، تصویر کودکی است که سعی می‌کند برای اولین بار حرف بزند. طبیعتاً دایره لغات کودک بسیار محدود است.

ممکن است ساختار زبان را رعایت نکند. کلمات و عبارات را پس و پیش بگوید و در یک کلام زبان را نشناسد. اما با این حال کودک باز هم سعی دارد زبان را یاد بگیرد.

مسیر مترجم شدن هم دقیقاً به همین شکل است. در ابتدا ناوارد هستید و مهارت کمی در ترجمه



دارید، اما به مرور دستتان راه می‌افتد.

پیشنهاد

یک هفته اول ترجمه‌هایتان را بازخوانی نکنید. فقط ترجمه کنید. در این مرحله مهم است شما بر ترس روبرو شدن با متن غلبه کنید. آسان بگیرید!

قرار نیست این ترجمه‌ها در جایی چاپ و یا منتشر شوند. شما هنوز تازه پشت سکان نشسته‌اید و دارید به راندن کشتی تظاهر می‌کنید. همین!

خب در فاصله‌ای که دست شما کم‌کم به سکان گرم می‌شود، بیایید با هم سری به موزه عکس مترجم‌هایی بیندازیم که روزی روزگاری قصد دریانوردی در دریای ترجمه به سرشان زد، اما در راه جان دادند و هرگز به مسیر نرسیدند.

مترجم‌های کلاغی

مترجم‌های کلاغی اولین گونه از مترجم‌هایی هستند که در راه رسیدن به سرزمین ترجمه از دور



بازي حذف مي‌شوند.

چون اين دسته از مترجم‌ها دو خط متن با محتوای سلام، چطوری را با گوگل ترنسلیت ترجمه مي‌کنند و بعد يك شپور بزرگ به دست می‌گیرند و هر جا نشستند و از هر جا گذشتند و به هر کی برخورد کردند، می‌گویند: ا، شما منو نمی‌شناسیند! اما من يك مترجم زبردستم!

من خیلی می‌فهمم! من اساساً مولتی‌لنگویژ، شما به آن می‌گویید چندزبانه، متولد شدم! محققان من را گونه‌ای نادر از انواع بشری تشخیص دادند که صرفاً محض نمونه به جهان معرفی شده‌ام!!!

مترجم‌های کلاهی برای هر کار کوچکی سر و صدای زیادی به پا می‌کنند. اما محققان معتقدند مشکل این دسته از مترجم‌ها طبل توخالی بودن است. مترجم‌های کلاهی به قدری درگیر توهم خوب بودن هستند که نمی‌دانند برای فهم عمیق متون باید زمان کافی صرف کرد.

چه میزان زمان؟

نمی‌توان برای همه يك زمان را در نظر گرفت و گفت که همه در این مدت زمان می‌توانند مترجم حرفه‌ای بشوند. چون آدم‌ها پیشینه‌های ذهنی متفاوتی دارند. برخی از کودکی گنجینه ذهنی کلماتشان را پربار کرده‌اند و همین که سوار کشتی ترجمه بشوند، می‌توانند با سرعت قابل توجهی به پیش بروند.



نقشه گنج مترجم!

اما ممکن است برخی از افراد دو زبانه و یا حتی سه زبانه باشند و تازه با شروع راه مترجمی قصد یاد گرفتن جدی یک زبان را داشته باشند. مثلاً در کشور ما اقوام مختلفی وجود دارند. ترک، کرد، عرب، ترکمن، بلوچ....

بیاید دو نفر را با هم مقایسه کنیم. یک نفر زبان مادری اش کردی است. بندرت به فارسی صحبت می کند و چندان هم اهل کتاب خواندن نبوده است و حالا می خواهد کار ترجمه از انگلیسی به فارسی را شروع کند.

فرد دیگر هم زبان مادری اش کردی است. اما از کودکی در کنار زبان کردی به فارسی هم صحبت کرده است و همیشه کتاب های فارسی خوانده و مطالب مختلف فارسی را گوش داده است.

طبیعی است که فرد دوم بسیار راحت تر و سریع تر می تواند مترجم حرفه ای بشود و فرد اول باید تلاش بیشتری برای موفقیت انجام بدهد.

مترجمان گرگی

مترجم های گرگی در ذهنشان تصمیم می گیرند که کتابی را ترجمه کنند و بلافاصله بعد از این تصمیم خیالی چهارچنگولی از آن محافظت می کنند. هیچ کجا حرفی از کاری که در دست دارند به



زبان نمی‌آورند!

حتی تظاهر می‌کنند که قصد ندارند مترجم بشوند! و از همه بدتر اگر ترجمه کاری را به انتها برسانند، از شدت ترس و نگرانی این که مبادا کسی ترجمه‌های طلای‌اشان را بدزد، دائم دور ترجمه‌ای که هیچ کس از وجودش با خبر نیست، در حال زوزه کشیدن هستند.

مشکل این دسته از مترجم‌ها ترس بیش از اندازه از به سرقت رفتن ترجمه‌هاشان است! بیایید با هم صادق باشیم.

اگر شما قصد دارید مترجم شوید باید کسی ترجمه شما را بخواند تا نظرش را درباره چاپ و انتشارش به شما بدهد و نکته مهم دیگر هم آن که واقعا چه چیز باعث شده است فکر کنید، دیگران قرار است ترجمه‌های شما را بدزدند؟!

دو حالت وجود دارد: یا شما مترجم مبتدی هستید و یا مترجم باتجربه. اگر مبتدی هستید، بگذارید دیگران ترجمه‌هایتان را بدزدند! شما از شرشان راحت می‌شوید و آبروی دیگران به جای شما می‌رود!! و از همه مهم‌تر در عوض آن‌ها ترجمه‌های بهتری خواهید نوشت!

اگر هم باتجربه هستید که حتما راه چاپ درست آثارتان را می‌دانید و هرگز این اتفاق برایتان نمی‌افتد!



در نهایت هم باید بگویم که متاسفانه فویبای سرقت آثار بیشتر از آن که يك واقعیت باشد، يك توهم است. ناشران، سازمان‌ها، رسانه‌ها و مطبوعات غالبا از آثار خوب استقبال می‌کنند و خواهان رابطه مستمر هستند.

من نمی‌گویم این اتفاق هرگز نمی‌افتد. من فقط می‌گویم آن قدرها که از آن می‌ترسید جای ترس وجود ندارد.

در هر حال اگر شما قصد جدی برای ترجمه يك کتاب داشته باشید، می‌توانید ابتدا با جستجو در سایت کتابخانه ملی از ترجمه شدن و یا ترجمه نشدن آن اطلاع پیدا کنید و بعد از ترجمه چند صفحه از آن کتاب، آن را به نام خود ثبت کنید و بعد با خیال راحت باقی کارتان را ادامه دهید. چون دیگر کسی نمی‌تواند آن را به نام خود بزند.

مترجمان زالوصفت

زالوصفتی در همه مشاغل من جمله ترجمه، صفتی رایج است. خیلی از افراد معتقدند اساسا نمی‌شود کاری را بدون وابستگی به دیگرانی که حتما گردنی کلفت دارند، به انجام رسانند.

طبیعی است که ارتباطات در پیشبرد کارتان مهم است. در همه کارها مهم است. من هم بر ایجاد



نقشه گنج مترجم!

روابط مطمئنا تاکید دارم. اما براي ايجاد ارتباط کاري شما بايد چيزي در چنته داشته باشيد و در حرفه ترجمه توانايي شما همه چيزتان است.

مشکل مترجمان زالو صفت عدم اعتماد به نفس آنها است. اين دسته از مترجمها معني ارتباطات را به درستي متوجه نشده اند و فکر مي کنند همين که يك فرد بانفوذ از آنها حمايت کند، ديگر کار تمام است. شايد در ابتدا اين طور به نظر برسد، اما در ادامه مسير اين ميزان مهارت شما در ترجمه است که باعث استمرار رابطه خواهد شد.

مترجمان مورچه‌ای

بعضی از مترجمها که من به آنها مترجمهاي مورچه‌اي مي گويم، شبانه روز کار می کنند. روز تا شب و باز يك شيفت ديگر شب تا روز. مترجمهاي مورچه‌اي در راه پرمشقت ترجمه‌اي که در پيش گرفتند، کوه را روی دوششان می گذارند و رخت هر جنگ را به تن مي کنند. ترجمه می کنند و ترجمه می کنند. اما ترجمه هاشان روی هم انبار می کنند!

مترجمهاي مورچه‌اي، معتقد به ترجمه براي ترجمه هستند. خودشان هم نمی دانند هدفشان از انجام اين کار چيست. هر چيزي در هر جايي که به دستشان برسد، آن را از سر راه برمي دارند. آخر حيف است سر راه بماند!



نقشه گنج مترجم!

آنها ترجمه می‌کنند و در گوشه‌های ذخیره می‌کنند. چرا این کار را می‌کنند؟ خودشان هم نمی‌دانند! آنها فقط ترجمه می‌کنند و انبار می‌کنند. ترجمه می‌کنند و انبار می‌کنند.

مشکل این دسته از مترجم‌ها، بی‌هدفی در ترجمه است. شاید این کار برای چند وقتی بد نباشد و حس خوبی به مترجم بدهد. اما بی‌ثمری حس بسیار دردناکی است. روزی از راه خواهد رسید که مترجم‌های مورچه‌ای به انبار وسیع ترجمه‌هایشان نگاه می‌کنند و با خود می‌گویند اگر سعی می‌کردم يك دهم این مطالب را منتشر کنم، امروز خوشحال‌تر بودم.

شاید حتی روزی در روزنامه‌ای، مجله‌ای، جایی با ترجمه‌ای روبرو شوند که خودشان هم آن را ترجمه کرده‌اند و در مقایسه با ترجمه خودشان، کار خود را بهتر ارزیابی کنند.

مترجمان زنبوری

مترجم‌های زنبوری فقط می‌توانند به شکل گروهی کار کنند. این دسته از مترجم‌ها ذاتاً بدون رئیس نمی‌توانند کار کنند. خودشان هیچ وقت يك متن را برای ترجمه انتخاب نمی‌کنند. آنها فقط می‌توانند يك گوشه از کار را بگیرند. مثلاً آگه زنبور کارگر هستند، هیچ وقت نمی‌توانند به زنبور کارفرما ارتقا پیدا کنند.

مترجم‌های زنبوری خیلی هم روی حوزه کاریشان تعصب دارند و سعی دارند این جوری تظاهر کنند



نقشه گنج مترجم!

که به دلیل دقت بالایشان دست به ترجمه متون دیگر نمی‌زنند و به ترجمه فقط يك نوع متن، مثلا ترجمه متون ورزشی اخلاقی و وجدانی متعهد هستند!

و اما مشکل این دسته از مترجم‌ها این است که خب راستش را بخواهید حرفه مترجمی و به خصوص مترجم مستقل بودن فراز و نشیب‌های زیادی دارد.

اگر فقط به ترجمه يك نوع متن وفادار بمانید، احتمال شب گرسنه خوابیدنتان خیلی زیاد است و حتی مواردی از کارتن خوابی هم در این زمینه گزارش شده است.

از نظر بُعد کاری و حرفه‌ای هم برای يك مترجم بهتر است که برای کارش چند حوزه تعریف کند. این کار ذهن مترجم را پربارتر می‌کند.

مثلا ترجمه متون اجتماعی و یا تاریخی می‌تواند به شما کمک کند تا متون سیاسی را هم بهتر درک کنید. فقط دقت کنید که اول در يك حوزه به حد قابل قبولی دست پیدا کنید و بعد سراغ حوزه‌های بعدی بروید.

مترجمان موش کوری

این دسته از مترجم‌ها، آدم‌های تحصیل‌کرده و فرهیخته‌ای هستند. آن‌ها روزها و شب‌ها در حال



نقشه گنج مترجم!

مطالعه و تحقیق به سر می‌برند. همیشه در حال فکر کردن، خواندن، تطبیق، یادداشت‌برداری، فیش‌برداری، طبقه‌بندی یادداشت‌ها و فیش‌هایشان و بایگانی کردن آن مطالب هستند.

بدترین ویژگی مترجم‌های موش کوری آن است که میلیون‌ها سال از جامعه‌اشان عقب هستند. مثلاً وقتی امروز همه دوست دارن داستانتک بخوانند، این مترجم‌ها در حال تحقیق و بررسی بر روی رمان‌های رئالیستی قرن نوزدهم میلادی هستند.

مشکل این دسته از مترجم‌ها آن است که موش‌های کور، زیر زمین زندگی می‌کنند. در دنیای افکار و اعتقادات خودشان. با کسی در ارتباط نیستند. اندیشه‌های والایی دارند. اما خبر ندارند که این روزها روی زمین شکل زندگی مردم تغییر کرده است. مردم این روزها به مطالب و موضوعات جدیدی علاقه دارند.

مترجم‌های موش کوری، روحیه پژوهشی خیلی خوبی دارند. اما این روحیه را به بهترین شکل ممکن هرز می‌دهند و متونی را ترجمه می‌کنند که حتی خودشان هم به آن علاقه‌ای ندارند.

اما این کار را انجام می‌دهند چون در نسخه شماره يك ميليارد و نهصد و هشتاد و هفت کتاب زیرخاکی که به دستشان رسیده، آمده است که این کتاب شیش!! هزار صفحه‌ای، جان دختر کشور هابیت‌ها را از مورمور شدن انگشت پای راستش نجات داده است!!!



مترجم دربدر!

این نوع مترجم ترجمه برانگیزترین انواع مترجم‌هاست. او فردی به راستی دربدر است و من حقیقتاً با این نوع مترجم عمیقاً احساس همدردی می‌کنم. چون مدت‌های مدیدی در سیمت دربدری مشغول به کار بودم. دوست داشتم مترجم بشوم، اما نمی‌دانستم چگونه می‌توانم در این مسیر موفق بشوم.

شبهه مگس گیجی بودم که راه را نمی‌داند و دائم به در و دیوار برخورد می‌کند. حتی نمی‌توانستم موقعیت مکانی و یا نوع مترجمی که هستم را تشخیص بدهم و این بدترین اتفاقی است که ممکن است يك مترجم به آن به دچار شود.

مشکل مترجم دربدر نداشتن دید وسیع نسبت به موقعیتی است که در آن به سر می‌برد. کافی است سرش را بلند کند. به کارهای درست و نادرستی که در مسیر انجام داده است، نگاهی بیندازد. بعد به چند قدم جلوتر از خودش هم نگاهی بیندازد و نقشه‌ای برای باقی مسیر بکشد.

مترجم شیرصفت!

و اما مترجم شیرصفت! این نوع مترجم از نظر فکری مترجم پیشرفته‌ای است. مهم‌ترین ویژگی مترجم شیری، شجاعت اوست. او آن قدر شجاع است که اشتباهات خود را بپذیرند و تغییر جهت



بدهند.

مترجم‌های شیری به خوبی می‌دانند که کامل نیستند. در هیچ چیز، نه در میزان مهارت ترجمه‌ای که دارند و نه در شیوه زندگی‌اشان. اما از این مسئله فرار نمی‌کنند. آن را می‌پذیرند و سعی می‌کنند با يك برنامه عملي و واقع‌بینانه آن را تغییر بدهند.

مترجم‌های شیرصفت می‌دانند که کارشان برای جامعه بشری از اهمیت خیلی بالایی برخوردار است. به همین خاطر در انتخاب موضوع به اندازه کافی دقت می‌کنند. شیرها برای خودشان اهمیت قایل هستند.

به همین خاطر از انرژی محدودی که دارند، به درستی استفاده می‌کنند. کارهایی می‌کنند که مفید باشد و البته برای آنها درآمد هم داشته باشد.

مشکل؟! نه!

این دسته از مترجم‌ها گونه جهش یافته‌ای هستند که توانسته است به خوبی ضعف‌هایش را بشناسد. مترجم‌های شیرصفت به خوبی از توانایی‌ها و البته ضعف‌های کاریشان خبر دارند. اگر کاری را نتوانند به تنهایی انجام بدهند، دسته جمعی به طعمه حمله می‌کنند. اگر کارفرما از آنها ترجمه کاری جدید را بخواهد، آنها هم می‌توانند در ترجمه آن نوع متن مهارت کسب کنند.



نقشه گنج مترجم!

مطمئنا گونه‌های دیگری از مترجم‌های جان باخته در دریای پرتلاطم ترجمه وجود دارد. من در این جا فقط به بارزترین انواع آن‌ها اشاره کردم.

خب! شما کدام یک از انواع این مترجم‌ها هستید؟

من شخصا اعتراف می‌کنم که در دوره تکاملی کاریم، کمابیش همه مراحل بالا را طی کردم تا توانستم کمی به مرحله شیری نزدیک بشوم!

حالا نوبت شماست!

لحظه‌ای به خود و شیوه کاری‌تان فکر کنید. اگر می‌خواهید مترجم شوید و در کارت‌تان پیشرفت کنید، با خودتان روراست باشید. اعتراف زیر را پر کنید و در مسیر کاری تصمیمی جدید بگیرید.

من در پیشگاه حضرت عالی مرتبت اعتراف می‌کنم که تا به امروز مترجم بوده‌ام. اما از امروز قول می‌دهم بابت عمر، زمان و هزینه‌ایی که تاکنون به باد داده‌ام، توبه کنم و به سمت مترجم شیرصفت شدن تغییر مسیر بدهم.

امضا



نقشه گنج مترجم!

اگر هم تازه قصد دارید کار ترجمه را شروع کنید و هنوز هیچ تجربه‌ای در این زمینه ندارید، تعهد زیر را امضا کنید.

من به خودم قول می‌دهم تا از زمان، عمر و پولم بهترین استفاده را ببرم و هرگز اشتباهات مترجم‌های شکست‌خورده بالا را تکرار نکنم.

امضا

خب، الان وقت سرعت گرفتن است! بادبان‌ها را بالا بکشید!

ادامه مسیر

اکنون شما کم‌کم دارید با حال و هوای دریای ترجمه و کشتی مترجم شدن آشنا می‌شوید. یک هفته‌ای فقط درباره موضوع موردنظرتان به زبان مادری (یا زبانی که قصد دارید به آن ترجمه کنید) مطلب گوش داده‌اید و خوانده‌اید و یک هفته‌ای هم بدون بازخوانی ترجمه‌هایتان فقط ترجمه کرده‌اید.

مرحله بعد پیدا کردن یک کتاب قواعد است. کتاب قواعدی که برای خواندن انتخاب می‌کنید نباید زیاد حجیم و سخت باشد. کتابی آسان و ابتدایی را به دست بگیرید که با حداقل‌های قواعد آشنا بشوید. توجه بیش از اندازه به مسئله قواعد در ابتدای کار ذوق ترجمه را از بین می‌برد.



قواعد چقدر مهم است؟

ترجمه و قواعد تا حدودی به یکدیگر مرتبط هستند. اما تجربه کاری به من نشان می‌دهد که لزوماً اشراف بر قواعد به معنای مهارت در ترجمه نیست و خیلی وقت‌ها مخصوصاً در زبانی مانند زبان عربی غرق شدن در قواعد می‌تواند عامل کشنده ذوق مترجم باشد.

من افراد بسیاری را می‌شناسم که قواعد یک زبان را بسیار خوب یاد دارند و با همه کوچه پس کوچه‌هایش آشنا هستند. اما دست ترجمه‌اشان چندان گرم نیست و ذوقشان در این راه کم‌بینا اگر نگویم _کور_ است.

خود من زمانی که کار ترجمه را شروع کردم با قواعد زبان عربی در حد حداقل‌ها آشنا بودم. پس برای شروع راه ترجمه قواعد را در حد حداقل‌ها بیاموزید.

اگر قصد دارید مترجم شفاهی بشوید که دانستن قواعد در حد فاعل و مفعول و فعل و شکل چیدمان جمله، کارت‌ان را برای همیشه راه می‌اندازد. اما اگر قصد دارید متون مختلف را به شکل کتبی ترجمه کنید به سطح بالاتری از قواعد نیاز دارید.

اما لزومی ندارد با در دست گرفتن یک کتاب حجیم که پر از قواعد و تبصره و موارد نادر است، ذهنتان را خسته کنید.



نقشه گنج مترجم!

در مسیر دریایی مترجم شدن شما به ذوق سالم از هر چیز دیگری بیشتر نیاز دارید و این ذوق سلیم فقط با خواندن و شنیدن نوشته‌ها و گفته‌های اهل زبان امکان‌پذیر است. نه با خواندن انبوه قواعد عجیب و غریب.

در زبان مورد نظرتان يك کتاب قواعد ساده و آسان پیدا کنید.

من کتاب قواعد را برای شروع انتخاب می‌کنم.

خب حالا برای ترجمه کردن دقیقاً چکار کنیم؟

۱. حداقل‌های قواعد در زبان موردنظرتان را یاد بگیرید. فعل، فاعل، مفعول، ساختار جمله مثل این که فعل در کجای جمله قرار می‌گیرد و موارد پایه‌ای این چنینی. در همین حد کافی است.

۲. تعدادی متن ساده و کوتاه برای ترجمه پیدا کنید. ترجیحاً از داستان‌های کودکانه شروع کنید.



۲. در مسیر ترجمه با هر نکته و مطلبي که به آن برخورد کردید، همان يك نکته را بياموزيد.

۴. در حين ترجمه جملات و شيوه چيدمان کلمه و عبارات زبان مبدا را به خاطر بسپاريد تا با حال و هوای نوشتن به آن زبان آشنا شويد.

۵. تا مي‌توانيد کتاب و نوشته به زبان فارسي (زباني که قرار است به آن ترجمه کنید) بخوانيد و گنجينه کلمات ذهنتان را از واژه‌هاي فارسي و ساختارهاي آن پر کنید.

۵. مهم‌ترين سئوالي که هميشه بايد از خودتان بپرسيد، اين است: منظور نويسنده چيست؟ در زبان فارسي ما اين منظور را چگونه بيان مي‌کنيم؟

مهم‌ترين سئوال هر مترجم!

منظور نويسنده چيست؟

اين منظور در زبان مقصد چگونه بيان مي‌شود؟



ترجمه خبر

۱_ اگر متن شما خبري است، پيش از شروع به ترجمه نگاهي كلي به متن بيندازيد.

چند خط اول، كمى از وسطها و چند خط آخر را بخوانيد تا بفهميد موضوع درباره چيست. بدترين كار ممكن آن است كه بلافاصله پس از در دست گرفتن متن و به محض ديدن اولين كلمه آن از ترس آن كه مبادا متن فرار كند! شروع به ترجمه كنيد.

نگاهي به متن بيندازيد تا بفهميد:

موضوع چيست؟ مثلا سياسي است، اجتماعي است، ديني است، هنري است....

درباره چه حرف مي‌زنند؟ مثلا هنري است و درباره كشف يك اثر باستاني صحبت مي‌كند و يا اين كه سياسي است و درباره هرج و مرج در انتخابات يك كشور اروپايي مطلب نوشته است.

۲_ حالا پاراگراف به پاراگراف بخوانيد.



۲_ سعی کنید معنی کلماتی که معنایشان را نمی‌دانید را با توجه به فضای کلی متن حدس بزنید.

۴_ حدستان را در فرهنگ لغت چک کنید.

۵_ حالا ترجمه‌اتان را بنویسید.

طبیعتاً هر اندازه که حرفه‌ای‌تر می‌شوید سرعت پشت سر گذاشتن این مراحل کوتاه‌تر و کوتاه‌تر می‌شود.

ترجمه کتاب

حتماً همه کتاب را خط به خط بخوانید. اگر با خودتان می‌گویید این کار وقتگیر است. نمی‌شود، همه کتاب را نخواند؟ باید در جوابتان بگویم اگر همه کتاب را نخوانید پاسخ این پرسش‌ها را هم پیدا نخواهید کرد:

موضوع اصلی چیست؟



لحن نویسنده چگونه است؟

سبک نویسنده چیست؟

مخاطب نویسنده چه افرادی هستند؟

وقتی این اطلاعات را درباره کتاب نداشته باشید، در ترجمه کردن سردرگم خواهید شد. حتی احتمال دارد چندین و چندین بار مجبور به ویرایش کل مطالبی بشوید که نوشته‌اید. اما وقتی از اول به خوبی با متن آشنا شده باشید، این اتفاق نخواهد افتاد.

کاپیتان محدوده خود را مشخص می‌کند!

حتما در برنامه‌های راز بقا خرس‌ها را دیده‌اید که برای مشخص کردن قلمروی تحت تسلطشان خود را به درخت‌ها می‌مالند تا درختان بوی تن آنها را به خود بگیرد و خرس‌های دیگر وارد قلمرویشان نشوند. در مسیر مترجم شدن مرحله مهمی وجود دارد به نام مشخص کردن قلمرو!

کاپیتان! در این جای مسیر باید جدیت به خرج بدهید و محدوده خود را مشخص کنید. این يك اصل



است. برای آن که جدی گرفته شوید، باید خودتان حرفه‌اتان را جدی بگیرید.

این جدی گرفتن کار خیلی مهم است. وقتی شما کارتان را جدی می‌گیرید برای آن ارزش قایل هستید و برایش برنامه‌ریزی منظمی دارید، دیگر مهمان‌های ناخوانده به خودشان اجازه نخواهند داد، وقت شما را بیش از اندازه بگیرند و اعضای خانواده هم گاه و بی‌گاه وسط کار کردن شما حواستان را پرت نخواهند کرد.

اما وقتی خودتان سرگردان هستید. ساعت دوازده از خواب بیدار می‌شوید. همان طور که پیژامه گشادی به تن دارید و موهایی آشفته‌تان را از جلوی صورتتان کنار می‌زنید تا بتوانید لیوان چایی را ببینید که به دست گرفته‌اید و بی‌برنامه روزتان را آغاز می‌کنید و غرولندکنان به اطرافیان بد و بی‌راه می‌گویید. در این اوضاع و احوال چگونه توقع دارید اعضای خانواده شما را به رسمیت بشناسند.

شاید با خودتان بگویید: نه! من نمی‌توانم هر روز سر ساعت خاصی مشغول به کار شوم. ترجمه نیاز به حال و هوای خاصی دارد. حتی اگر سکوت باشد، باز هم باید حالت خاصی داشته باشم وگرنه نمی‌توانم ترجمه کنم.

من به زودی به این پرسش در مطلبي مفصل خواهم پرداخت. اما در این جا به طور خلاصه باید بگویم اگر برای کارتان قوانین لازم را به کار نبرید، کارتان یا بسیار دیر و یا هرگز پا به مرحله جدی شدن نخواهد گذاشت.



از من گفتن!

قلمروي من!

۱. از امروز _____ محل کار من است. (مثلا روي پيشخوان آشپزخانه يا صبحها كه پدرم به سرکار مي‌رود در ماشين او!)

۲. هر روز از ساعت _____ تا ساعت _____ کار ترجمه انجام مي‌دهم.

قوانين دريايي!

هر روز كه به روي عرشه مي‌آييد تا سکان را به دست بگيريد، لباس کار بپوشيد!

فنگ‌شويي معتقد است لباسي كه با آن مي‌خواييم، در آن خواب رفته است. از نظر روان‌شناسي نيز اگر فرد ذهن خود را با موارد شرطي كند، آسان‌تر مي‌تواند از ذهنش استفاده كند. تحقيقات هم نشان داده است، افراد وقتي در حين انجام كار، لباس فرم به تن داشته باشند، بازدهي بالاتري



نقشه گنج مترجم!

خواهند داشت.

چه به فنگ‌شویی اعتقاد داشته باشید و چه نداشته باشید، بهتر است لباس خانه با لباس کارتان متفاوت باشد. لازم نیست این لباس خیلی رسمی باشد.

همین که آن را به عنوان لباس کار بشناسید، کافی است. با این کار مغزتان به گونه‌ای شرطی می‌شود که هر زمان این لباس را به تن کردید، باید از نظر ذهنی خود را برای ترجمه کردن آماده کند.

همین الان سری به کمد لباستان بزنید و حداقل یک دست لباس را به عنوان لباس کار انتخاب کنید.

من لباس را برای کار انتخاب می‌کنم.

سرعت‌گرفتن کشتی ترجمه

الان دیگر شما تا حدودی با زبان جدید ارتباط برقرار کرده‌اید و می‌توانید مطالب موضوع موردنظران را تا حد قابل قبولی ترجمه کنید. از این جا به بعد باید بیشتر و بیشتر با زبان موردنظران به طور کل و با حوزه موردنظران به طور خاص آشنا بشوید.



نقشه گنج مترجم!

یعنی اگر تصمیم دارید مترجم متون ادبی عربی بشوید باید تا می‌توانید متن عربی و به ویژه متن ادبی عربی بخوانید.

دیدن فیلم و گوش دادن به فایل‌های صوتی در این مرحله به مترجم بسیار کمک می‌کند تا با روح زبان مبدا بیشتر آشنا بشود. اکنون که دایره لغات شما تا حد خوبی بالا رفته است، می‌توانید بیشتر گفتگوهای يك فیلم و یا حرف‌های گوینده‌های خبر را متوجه بشوید.

در این مرحله خوب است در شبکه‌های مجازی و یا اگر برایتان امکانش هست با خارجی‌ها، شروع به صحبت کنید و سعی کنید هر چه بیشتر با زبان موردنظرتان آشنا شوید.

ممکن است این سوال به ذهنتان برسد که یعنی نمی‌شود اول فیلم و فایل صوتی گوش داد بعد متن خواند؟

به طور خلاصه چرا می‌شود. فقط اگر شما دایره لغاتتان بسیار کم باشد و چیزی از فیلم و یا فایل صوتی نفهمید، ممکن است حس بدی را تجربه کنید. بهتر است فایل‌هایی که به آن گوش می‌دهید در سطح شما باشد تا احساس خوب آموختن را در شما زنده نگه دارد.

در هر حال گوش دادن به فایل‌های صوتی یکی از مهم‌ترین مراحل یادگیری زبان جدید است و از يك حدی به بعد مطالبی که در کتاب‌ها می‌خوانید به فهم بهتر فایل‌های صوتی و تصویری کمک می‌کند



و مطالبی که از فایل‌های صوتی و تصویری یاد می‌گیرید، شما را با روح زبان بیشتر و بیشتر آشنا می‌کند.

بیماری به نام ملالغتی شدن!

در مسیر مترجم شدن به احتمال زیاد دچار نوعی از انواع خوش‌خیم، متوسط‌خیم و یا بدخیم بیماری ملالغتی بشوید. از علائم این بیماری این است که شما تمام مدت در حال پیدا کردن اشتباهات گفتاری این و آن هستید.

تنها راه درمان که البته تأثیری فوری و بسیار عالی دارد، آن است که به ضعف‌ها و سوتی‌های خود در زندگی کمی فکر کنید.

همه ما مطمئناً ضعف‌هایی داریم. اگر مدعی هستید که هیچ ضعفی ندارید، نشانی خانه‌تان را به سایت ال‌ریحانه ارسال کنید تا با دیگر مترجمان برای ملاقات و به احتمال زیاد مصاحبه با گونه‌ای نادر از بشریت دیدار کنیم.

لیست ضعف‌هایی که دارم و سوتی‌هایی که تا به حال داده‌ام (حداقل سه هزار و سیصد و پنجاه مورد!!)

.....



نقشه گنج مترجم!

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

در این جا باید به طور جدی به شما هشدار بدهم که اگر این بیماری را درمان نکنید، رابطه شما با افراد بسیاری بهم خواهد خورد و در نهایت مبدل به موجودی خواهید شد که همه از دست شما فراری هستند و علاقه‌ای به صحبت کردن با شما ندارند.



ساحل‌نماهای مسیر!

انزوا

تنهایی بسیار دلچسب است. این را همه مترجم‌های دنیا می‌دانند. در سکوت محض خانه پشت میز کار محبوبتان می‌نشینید و ترجمه کار جدیدی را به دست می‌گیرید. همان طور که گرمی مطبوع چای را حس می‌کنید، لیوان مخصوص نوشیدنی‌هایتان را به سمت دهان می‌برید و با خود فکر می‌کنید که در این لحظه هیچ چیز لذت‌بخش‌تر از صدای ضرب کلیدهای کیبوردتان نیست.

انگشت بزرگ پایتان را به روی انگشت کناری‌اش می‌کشید و پاهایتان را در کفش روفرشیتان به آرامی تکان می‌دهید و آرزو می‌کنید سکوت و تنهایی این لحظه تا ابدیت ادامه پیدا کند.

اما بدانید و آگاه باشید که!

انزوا موقعیت‌های کاری جدید را از شما خواهد گرفت. آیا شما مترجمی زبردست هستید؟ متون را به خوبی درک می‌کنید و عالی ترجمه می‌کنید؟ چه فایده اگر کسی شما را نمی‌شناسند؟ چه فایده اگر شما دنیا را از نور وجود خودتان محروم کرده‌اید.

چي؟! کسي قدر شما را نمی‌دانند؟ چرا باید قدرتتان را بدانند اگر تنها کارت‌ان در خانه ماندن است؟



نقشه گنج مترجم!

چرا کسی باید بخواهد با شما آشنا شود و به شما کاری بدهد، اگر کسی شما را نمی‌شناسد و از آن هم بدتر روابط اجتماعی‌تان با افراد بسیار بد است؟

منه‌ای مسئله کاری و اهمیت روابط در کار ترجمه، آیا دوست دارید همیشه زندگی‌تان به کامپیوتر/لپ‌تاپ، کتاب و کتاب‌خانه و تایپ و کاغذ و قلم محدود بشود؟ دلتان نمی‌خواهد تجربه‌های جدید و کاملاً متفاوتی داشته باشید؟

من عاشق ترجمه هستم. کلمه‌ها را دوست دارم و دست نوشتنم هم خوب است. یعنی به عنوان یک مترجم تقریباً دلیلی برای ترک آنزوا ندارم. اما با این حال دوست ندارم همه عمرم در یک اتاق بگذرد. من عاشق خواندنم. اما دوست ندارم فقط اوصاف شهرهای زیبا و داستان زندگی دیگران را به زیباترین شکل ممکن ترجمه کنم. بلکه دوست دارم من نیز داستانی زیبا برای ترجمه کردن داشته باشم.

شما چه؟ دوست ندارید به شهری جدید سفر کنید؟ هنر و توانایی جدیدی را کسب کنید؟ با دوستان جدیدی آشنا شوید؟ به رستوران جدیدی بروید؟ ابعاد جدیدی از وجود خود را کشف کنید؟ مثلاً اگر همیشه وقتتان را صرف کارهای بی‌هوده کرده‌اید، دوست ندارید در یک دوره خودشناسی شرکت کنید؟

اگر زندگی‌تان زیادی یکنواخت شده است، دوست ندارید سوار پاراگلایدر شوید؟ این بار با کشتی



به سرزمینی جدید سفر کنید؟

می‌دانم که بیشتر مترجمان مستقل به ویژه اگر تازه‌کار باشند، از مشکلات مالی در رنجند. اگر شما هم همین مشکل را داشته باشید شاید دلتان بخواهد در یک دوره آموزش مسایل مالی ثبت نام کنید؟ از دنیای کلمات سری به دنیای پول و اعداد بزنید!

هر تجربه جدیدی می‌تواند به شما در کار ترجمه کمک کند و توانایی شما را در این زمینه بالا ببرد و حتی اگر شما واقعا در بیان مطالب هیچ مشکلی نداشته باشید، چه اهمیت دارد اگر از زیبایی فصل‌ها بنویسید وقتی که خودتان در بارش برف به سرعت و از نزدیکترین محل به خانه‌تان باز می‌گردید؟

طراوات باران چه اهمیتی دارد اگر شما هرگز زیر باران خیس نشده‌اید؟

چه اهمیت دارد داستان سبز کردن موهای آن شرلی را آن قدر خوب ترجمه کرده باشید که همه دختران نوجوان عاشق آن شده باشند، اما خودتان هرگز کار هیجان‌انگیزی نکرده باشید؟

چه اهمیت دارد اگر همه با افتخار به شما بگویند: ترجمه کتاب موفقیت شما زندگی ما را دگرگون کرد وقتی زندگی خودتان همان زندگی ده سال پیش است؟ چه اهمیت دارد؟!



نقشه گنج مترجم!

می‌دانید چرا بر این بخش تا این حد تاکید می‌کنم؟ چون می‌دانم خیلی وقت‌ها کتاب‌ها ما را فریب می‌دهند. ما دائم کتاب می‌خوانیم و فکر می‌کنیم چون کتاب خوانده‌ایم پس تمام مطالب کتاب‌ها را انجام داده‌ایم!! اما واقعیت این است که اگر حواسمان نباشد، ما مترجم‌ها می‌توانیم به راحتی زندگی واقعی را فدای دنیای کاغذی نوشته‌ها کنیم.

آخرین باری که به علایقتان فکر کردید چه زمان بود؟

لیست کارهایی که دوست دارم انجام بدهم؟ (حداقل بیست مورد)

.....
.....
.....

دُپینگ‌های مترجم

غار دوست‌داشتنی من

درست است که گفتم نباید منزوی بشویم. اما ما مترجم‌ها نیاز به يك غار داریم. غاری که در آن از هجوم انبوه کلمه‌ها به آن پناه ببریم. در سکوت و آرامش بنشینیم و به ذهنمان آرامش بدهیم و به مسیری که در حال پیمودنش هستیم فکر کنیم. حتما چند دفترچه برای بررسی مسایل مختلفتان



نیز در این غار دوست‌داشتنی داشته باشید.

اعمال غار

سکوت

در روز و یا حداقل به شکل هفتگی زمانی را برای رفتن به غارتان در نظر بگیرید. لحظاتی را کاملاً سکوت کنید و بگذارید ذهنتان آرام بگیرد. از چند ثانیه شروع کنید و به مرور میزان آن را بیشتر کنید.

فکر کردن

هر مترجم هر روز و یا حداقل هر هفته نیاز به فکر کردن عمیق دارد. در این مدت باید به شکل اختصاصی و دقیق به سئوال‌های زیر فکر کنید و جوابی برای آن‌ها پیدا کنید؟

امروز/این هفته چه مطالبی را ترجمه کردم؟

چه کتاب‌هایی را خواندم که به من در کار ترجمه کمک می‌کند؟

فردا/هفته بعد باید چه کتابی را بخوانم؟

اشتباهاتی که امروز/این هفته در مسیر ترجمه انجام دادم چه بوده است؟ چگونه آن را جبران



خواهم کرد؟

آیا از موضوعی که ترجمه می‌کنم راضی هستم؟ آیا مسایل مالی‌ام خوب پیش می‌رود؟ اگر نه، چرا؟ به اندازه کافی مشتری ندارم و یا این که مشتری‌هایتان پولم را نمی‌دهند؟

آیا در مسیر شما مشکلی به چشم می‌خورد؟ آن چیست؟ آیا از سرعت پیشرفتتان راضی هستید؟ دلیل این سرعت را چه می‌دانید؟ از خود بپرسید من دارم به کجا می‌روم؟ آیا مسیر درست است؟

شناخت خود

هر اندازه کاپیتان بیشتر خودش را بشناسد، موفق‌تر خواهد بود. پس به پاسخ این پرسش‌ها فکر کنید.

ترجمه چه متونی شما را سر ذوق می‌آورد؟ چه زمان‌هایی بهتر و بیشتر کار می‌کنید؟ صبح‌ها، ظهرها، شب‌ها؟ با کدام موضوعات زودتر کنار می‌آیید؟

ترجمه کدام موضوعات برایتان مثل شکنجه است؟ آیا روابطتان با مشتری‌هایتان خوب هست؟ اگر نه، چرا؟



نقشه گنج مترجم!

به تكتك رفتارهاي خودتان كه تاثير مستقيم بر كارتان دارد، فكر كنيد. از خودتان سوال بپرسيد و جوابهايش را در دفترتان بنويسيد. خودتان را براي پيدا كردن راه حل مشكلات مسير مترجم شدن متعهد بدانيد.

من چقدر خودم را در ترجمه مي شناسم؟ (حداقل پنج صفحه در اين باره بنويسيد)

.....

.....

.....

مشكلات من در راه مترجم شدن چيست؟

.....

.....

راه حل مشكلات من در راه مترجم شدن چيست؟

.....

.....



جایزه

گفتم که باید خودتان را تشویق کنید و سر ذوق نگاه دارید. پس حداقل بیست جایزه برای خود در نظر بگیرید. هر چیزی که شما و کودک درونتان را خوشحال کند، می‌تواند جایزه به حساب بیاید و چه بهتر که جوایز رایگان لیستتان بیشتر از جوایز پولی باشند.

خرید يك گلدان جديد، رفتن به شهر کتاب، درست کردن يك لیوان شربت، پنج دقیقه وبگردی، خواندن يك کتاب، تماشای فیلم، حتی شانه کردن موهایتان، شاید عوض کردن لباس‌تان و ...

از این جوایز هر وقت که ترجمه خوبی انجام دادید و برق رضایت را در نگاه مشتری دیدید و یا این که هر وقت احساس کسالت کردید استفاده کنید. با جایزه دادن حس خوب را در خودتان ایجاد کنید.

چه چیز شما را خوشحال می‌کند؟

لیست خوشحالی‌های کوچک من (حداقل بیست مورد):

.....
.....



جهت باد از کدام طرف است؟

استفاده از جدیدترین فناوری‌ها همان باد موافقی است که به سرعت‌دهی کشتی شما کمک بسیاری خواهد کرد. به همین دلیل باید بگویم که اگر از شبکه‌های اجتماعی برای معرفی خودتان و کارتان استفاده کنید، می‌توانید سرعت کشتی‌اتان را بسیار بالا ببرید.

پارو زدن‌های مسیر

اگر در خواندن و نوشتن به اندازه کافی مهارت دارید، نیازی به پارو زدن ندارید. چون به اندازه کافی در این دو کار مهارت پیدا کرده‌اید. اما اگر چندان خوب نمی‌خوانید و نوشتنتان نیز چندان با قواعد نگارش همخوانی ندارد، لازم است کمی پارو بزیند تا کشتی شما از حرکت نایستند.

مجهز بودن به این دو مهارت مثل وزیدن بادهای موافق مسیرتان است. اگر این بادهای بوزند، کشتی‌اتان در مسیر به جلو حرکت می‌کند. اما اگر خبری از وزش آنها نیست، شما باید پارو بزیند.

کتابی برای یادگرفتن قواعد نگارش دم دست داشته باشید تا هر وقت دچار مشکل شدید از آن کمک بگیرید.

من کتاب قواعد نگارش..... را خریده‌ام یا تا تاریخ خواهم خرید.



من..... متعهد مي‌شوم که هر روز نیم ساعت براي درست و سريع خواندن زمان بگذارم.

خطرات راه!

دزدان دریایی در راهند!

اگر شما قصد مستقل کار کردن را دارید، باید بسیار جدي باشید. شبکه‌های اجتماعی، تماشای تلویزیون، دوره‌های بیش از اندازه، رفت و آمدهای بی‌دلیل، کارهای بیهوده و همه و همه دزدانی هستند که می‌توانند مانع از رسیدن شما به هدف و یا حداقل باعث کند شدن رسیدن شما به هدف شود.

اگر می‌خواهید کاپیتان شجاعی باشید که فاتح مسیر خودش است، باید با این دزدان دریایی مبارزه کنید. خبر خوب این که این دزدها ضعیف‌تر از آن هستند که خیلی مقاومت کنند.

لیست دزدان دریایی که باید از آنها دوری کنم:

.....
.....



مواظب کوسه‌ها باشید!

دزدان دریایی را کشتید؟! آفرین بر شما! حالا نوبت کوسه‌هاست!

کوسه شماره يك: بی‌توجهی به مسایل مالی!

مهم نیست شما چقدر مترجم حرفه‌ای و توانایی هستید. مهم نیست امروز چقدر پیشنهاد کاری دارید. مهم نیست روابط شما چقدر گسترده است. چند تا کتاب چاپ کرده‌اید و چند پروژه کاری دیگر را در دست گرفته‌اید. مهم این است که شما از نظر مالی چقدر می‌توانید دوام بیاورید.

نگاهی به حساب پس‌اندازتان کنید. اگر همین امروز به هر دلیلی دست از کار بکشید و دیگر نخواهید کار کنید (هیچ کاری) تا چند وقت دوام خواهید آورد؟ ترسناک بود، نه؟!

بله کوسه‌های بی‌پولی در راهند!

اقدامات لازم برای آینده‌نگری مالی:

آینده‌نگری مالی يك مسئله بسیار گسترده با ده‌ها نکته مهم است که حقیقتاً نمی‌توان در این جا به همه آن پرداخت.



نقشه گنج مترجم!

پیشنهاد می‌کنم حداقل پنج جلد از کتاب‌هایی که درباره مسایل مالی نوشته شده است را بخوانید و به کار بگیرید. در این جا تنها به حداقل‌های این کار اشاره می‌کنم و امیدوارم خودتان با جدی گرفتن این مسئله دانش مالی‌تان را روز به روز بالاتر ببرید.

_ باز کردن يك حساب پس‌انداز جدید و مخصوص پس‌انداز (بدون کارت عابر بانک)

_ از امروز ده درصد هر پولی که به دستتان برسد، هدیه بگیرید و یا از هر راهی (طبیعتاً راه درست مورد نظر است!) به دست شما می‌رسد را پس‌انداز کنید.

_ پس‌اندازتان که به میزان مشخصی رسید برای بیشتر شدنش فکری بکنید.

من روز يك حساب پس‌انداز در بانک باز خواهم کرد و متعهد می‌شوم که از این پول تنها برای آینده مالی‌ام استفاده کنم.

امضا

کوسه شماره دو: بی‌توجهی به آینده‌کاری!

آیا شما تعداد محدودی مشتری دارید که هر از چند گاهی از آن‌ها سفارش کار می‌گیرید و یا از آن هم بدتر شما فقط يك کارفرما دارید و همیشه همان يك نفر است که به شما کار سفارش می‌دهد؟



آیا تا به حال با خودتان فکر کردید، اگر برای آن فرد اتفاقی بیفتد چه بر سر شما خواهد آمد؟

پس با حفظ مشتری‌های قبلی، در جستجوی مشتریان جدید باشید. البته این نکته را به خاطر داشته باشید که هر ارتباطی الزاما منجر به همکاری نخواهد شد. به همین دلیل لازم است بدانید همیشه باید دایره ارتباطات و آشنایی‌های خود را به طور جدی گسترده کنید.

در این جا دوست دارم به نکته‌ای اشاره کنم. گسترده کردن دایره روابط به معنای آن نیست که ما فقط با هدف پیدا کردن مشتری به افراد و سازمان‌ها نزدیک شویم. اگر چنین دیدی دارید، بدانید که به زودی دستتان رو خواهد شد و کمتر کسی راغب به هم‌صحبتی و یا همکاری با شما خواهد شد.

در عوض به این فکر کنید که چگونه می‌توانید با حرفه‌اتان به افراد کمک کنید.

کشف مشتریان جدید

موضوع ترجمه شما چیست؟

در مراسم‌ها، سمینارها، همایش‌ها کارگاه‌ها و کلاس‌های مرتبط با موضوع مورد نظرتان شرکت کنید و به خوبی خودتان را معرفی کنید.



چگونه خودم را معرفی کنم؟

کارت ویزیت، وبلاگ، حضور در شبکه‌های مجازی، اعلامیه‌ای بر در مدرسه‌ای، دانشگاهی، مسجد محله هر طور که فکرش را می‌کنید خودتان را معرفی کنید.

فن بیان

خوب و درست صحبت کردن را بیاموزید. برای مهارت پیدا کردن در این زمینه به سایت استاد بزرگوار بهرام‌پور مراجعه کنید.

گسترش روابط

یک کتاب درباره روابط اجتماعی و ارتباط موثر بخريد و آن را تا انتها بخوانید. بعد وارد زندگی بشوید. تا می‌توانید تجربه کسب کنید و در حین کسب تجربه به خودتان نگاه کنید. با توجه به مطالب همان یک کتاب هر رابطه را بررسی کنید و اشتباهاتتان را اصلاح کنید.

من..... تا آخر این هفته/ماه يك کتاب درباره آداب روابط اجتماعی می‌خرم. امضا



نقشه گنج مترجم!

این بخش از زندگی مترجم‌ها و به ویژه مترجمان مستقل بیش از آن چه فکرش را بکنید، مهم است. در واقع شما بدون روابط اجتماعی چندان زنده نخواهید ماند.

شخصاً اعتراف می‌کنم عبور از این مرحله برای من چندان آسان نبود. نیروی اینرسی مرا در محیط آرام و بی‌سر و صدا ننگه داشته بود. از طرف دیگر من به خواندن کتاب حقیقتاً اعتیاد داشتم.

من کتاب‌ها را یکی پس از دیگری می‌خواندم و کنار می‌گذاشتم. اما وارد محیط واقعی زندگی نمی‌شدم. دانسته‌هایم را عملی نمی‌کردم. نتیجه چه بود؟ هر چه دیرتر وارد زندگی واقعی می‌شدم، ترس بیشتری را تجربه می‌کردم.

وقتی وارد زندگی حقیقی می‌شوید طبیعی است که کمی پخمه و دست و پا چلفتی به نظر برسید. اما با تمرین کم‌کم بهتر می‌شوید.

راه‌های معرفی خودتان را بنویسید (حداقل بیست مورد)

.....

.....

.....



باتلاقی‌های مسیر

وسواس!

بزرگترین باتلاقی که ممکن است يك مترجم به آن گرفتار شود، وسواس است. وسواس در انتخاب کلمه‌ها، وسواس در ویرایش و یا وسواس در انتخاب کردن یا انتخاب نکردن يك موضوع.

این وسواس حتي ممکن است در تایپ خودش را نشان دهد. مثلا وسط ترجمه، درست وقتی که همه ذهنتان درگیر پیدا کردن معنای مناسب است و دارد به سرعت کلمات را یکی پشت سر دیگری می‌نویسد، نگران این می‌شوید که ای وای من، با نوشتن آندر لاین فونت متن‌تان تغییر کرده است. در حالی که می‌توانید تمامی علایم و موارد ورد (world) را بگذارید و در انتها با دو حرکت تعیین فونت و تعیین اندازه قلم همه را یکی کنید.

و اما وسواس انتخاب کلمه! وسواسی که برای برخی از مترجم‌ها يك ژست باکلاس هم هست و حاضر نیستند اصلا از آن کوتاه بیایند.

من به عنوان کسی که سال‌ها سر این مسئله وسواس داشتم، باید بگویم ما مترجم‌ها باید سعی کنیم بهترین معادل‌ها را برای هر کلمه و هر جمله پیدا کنیم. اما پیدا کردن بهترین معادل‌ها به زمان نیاز دارد. هر چه بیشتر ترجمه کنیم و هر چه بیشتر خراب‌کاری کنیم، بیشتر یاد می‌گیریم.



در واقع تنها چیزی که باید به آن وسواس داشت، استفاده از دو کلید کنترل و اس Ctrl + S در کامپیوتر است. مهارت را در مسیر باید یاد گرفت. نمی‌شود همیشه در يك ایستگاه ایستاد و سوار هیچ اتوبوسی نشد و توقع پیشرفت هم داشت. شده اتوبوس اشتباه سوار شوید. حداقلش این است که حرکت کرده‌اید و فهمیده‌اید این راهش نیست.

کامل‌گرایی

شاید شما تصمیم گرفته‌اید يك کتاب را ترجمه کنید. این مطلب برای‌تان آشنا است؟ خب، بگویید چند وقت است در این فکر هستید؟ همین چند روز پیش این فکر به ذهنتان رسید؟ و یا این که چند ماه و یا چند سال است که قصد دارید کتابی را ترجمه کنید، اما هنوز موفق نشدید یا کتابی را پیدا کنید و یا آن کتاب را به انتها برسانید؟

این داستان غمانگیز بسیاری از مترجم‌ها است. برای درمان کامل‌گرایی بخش وسواس را دوباره بخوانید!

راز بزرگ مترجمان!

الان که دیگر شما در ترجمه پیش رفته‌اید و در مسیر ترجمه روی غلطك افتاده‌اید، می‌خواهم به



نقشه گنج مترجم!

شما يك راز را بگويم. اين راز را همه ما مترجمها مي دانيم. گوشتان را نزديك بياوريد. همیشه کلمه و يا عبارتي هست که ما معنايش را ندانيم! با اين مسئله کنار بياييد!!

کرانه‌هاي سرزمين ترجمه

به سرزمين مترجمها خوش آمدید! اگر مسير پر فراز و نشيب راه ترجمه را يك به يك پشت سر گذاشته باشيد، اينك با افراد مختلف و نسبتا زيادي آشنا هستيد و شما آن قدر پيشنهاد كاري داريد که نگران بي كاري و بي پولی نباشيد.

شما به جواهرهاي راه ترجمه دست پيدا کرده ايد. زيرا هر كاري را که بخواهيد مي پذيريد و هر كاري را که دوست نداشته باشيد، رد مي كنيد.

در اين جا شما مي توانيد براي توقف لنگر بيندازيد. جاشوها مي توانند به شهر بروند تا براي جشن امشب وسايل مورد نياز را تهيه کنند. در اطراف آتشي برافروزيد. کلاه آفتابي اتان را به سر بگذاريد. صدای زيباي مرغان دريایي طرفدارانتان را بشنوید و وزش باد رفاه و آسائش را بر پوستتان احساس کنید.



نقشه گنج مترجم!

طبیعی است که در این تصویر زیبا چند خرچنگ با چنگال‌های نقدشان در اطراف پرسه بزنند. خوب است زبان خرچنگ‌های نقد را بشناسید و توصیه‌های درستشان را به کار بگیرید. خرچنگ‌های نقد جزء جدایی ناپذیر سرزمین ترجمه هستند و اگر نباشد هستی ناقص خواهد بود.

دوست مترجم عزیز از این جایی که ایستاده‌اید، می‌توانید به شکوه مسیر پر خطری که پشت سر گذاشتید نگاه کنید و بابت شجاعت و جسارتی که در پیمودن چنین مسیری داشتید، به خود ببالید. حالا می‌توانید به فکر شکافتن کرانه‌های جدیدی بیفتید.

وقتی به این جای مسیر رسیدید، برای تازه‌کارها کتاب بنویسید و آن‌ها را راهنمایی کنید.

ممنون از شما که این کتاب را خواندید.

ریحانه پورشجاعی

